

## **امام خمینی و انقلاب اسلامی**

### **از منظر یادگار امام**

#### **فلسطین**

در آغاز هفتاد و پنجمین ماه قیام اسلامی مردم فلسطین - انتفاضه - مبارزات سیاسی و نظامی ملت در بند فلسطین در پرتو ابتکار امام المجاهدین خمینی کبیر برای تعیین روز جهانی قدس و اعلام حمایت و همبستگی با سرنوشت قدس عزیز نور امید را در دل مردم سرزمینهای اشغالی شعله‌ور ساخته است. در حالی که آمریکای جهانخوار با امکانات وسیع مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی حامی موجودیت نامشروع اسرائیل است، ملت مظلوم فلسطین چشم امید به حمایت همه‌جانبه مسلمین در روز جهانی قدس دوخته‌اند. مبارزان و مجاهدان فلسطینی که پیوسته در عمل سیاسی و نظامی خود طرحهای خیانت‌آمیز سازش با دشمن غاصب و حاکمیت نامشروع صهیونیستی را محکوم کرده‌اند در سایه اندیشه‌های الهی امام خمینی هویت اسلامی خود را باز یافته‌اند و لحظه‌ای در تداوم راه جهاد و شهادت درنگ نخواهند کرد.

موجودیت نامشروع اسرائیل و صلۀ ناجوری بر پیکرۀ جهان اسلام است و ما امروز شاهد هستیم که تحت حمایت‌های امپریالیسم امریکا در نهایت همان اهداف دستیازی به حقوق مسلم ملت‌های منطقه را در سر می‌پروراند.

ملت قهرمان و مبارز ایران اسلامی در کنار مسلمانان سراسر جهان با شرکت گسترده در راهپیمایی روز جهانی قدس بار دیگر بر کلام راسخ حضرت امام خمینی (س) برای جهاد تا محو موجودیت نامشروع اسرائیل تأکید نموده و با هوشیاری کامل در برابر توطئه‌های امریکا و اسرائیل ایستادگی خواهند کرد.

روز جهانی قدس، روز نمایش قدرت سیاسی و مبارزاتی امت واحد اسلامی برای رویارویی با توسعه‌طلبی امپریالیسم و صهیونیسم است. شرکت در این راهپیمایی و اعلام حمایت و همبستگی با ملت مظلوم فلسطینی یک وظیفه انسانی، اسلامی است.

مبارزات ملت فلسطین در این برهه حساس از تاریخ وارد مرحله دشواری شده است. کشتار اخیر نمازگزاران روزه‌دار فلسطینی در حرم حضرت ابراهیم خلیل‌الله(ع) نتیجه طبعی خیانت رهبران ساف و توافقنامه «غزه، اریحا» بود. اگر خائنین در صفوف مجاهدان فلسطینی رخنه نمی‌کردند هرگز دست صهیونیستها برای چنین کشتار شقاوت‌آمیزی باز نمی‌شد. خون شهیدان فلسطین عزم جهاد و مبارزه مستمر فرزندان قدس عزیز را تا تحقق کامل آرمانهای فلسطینی تضمین خواهد کرد و حمایت بیدریغ مسلمانان جهان را به دنبال خواهد داشت.

### امام خمینی، رهبری الهی

امام یک فقیه، فیلسوف، اصولی، اخلاقی، عارف و مرجع، ادیب و منجم بودند که در حوزه‌های مختلف علمی آثار و تألیفات فراوانی بر جای گذاشته‌اند و امروز شاگردان امام در حوزه‌های علمیه مشغول تدریس هستند. امام یک عارف بودند که با رحلتشان علم عرفان بی‌یاور مانده است و در سایر رشته‌ها علوم و معارف اسلامی در میان علمای معاصر بارز بودند. آنچه که از ایشان یک چهره استثنایی به وجود آورد هیچ یک از مدارج علمی و اخلاقی به تنهایی نبود. امام مرجع بزرگ زمان خود بودند در حالی که رأساً یک قدم برای نیل به مرجعیت برداشتند. همه این اوصاف را امام داشتند و هستند کسانی که برخی از این اوصاف را دارا هستند و حتی تا مرحله مرجعیت هم پیش آمده‌اند اما توانستند از هوای نفس دور باشند و در نهایت از خط اسلام اصیل منحرف شدند. مشخصه بارز و نقطه اصلی تمایز امام از دیگر رهبران مذهبی و سیاسی جهان معاصر صداقت و صراحت ایشان است. امام از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی همواره با مردم صادقانه حرف زدند، هرگز نمونه‌ای از دوگانگی بین امام و امت نمی‌توان یافت. اینگونه نبود که امام(س) با مردم یک‌گونه و با مسئولان به گونه‌ای دیگر حرف بزنند، صداقت امام محصول تعالی اخلاقی، خودسازی و یگانگی گفتار و عمل ایشان بود. امام برای آرا و نظرات مردم و فرزندان انقلاب ارزش و احترام والایی قایل بودند و همواره مسئولیت تصمیم‌گیری دوران سخت انقلاب و جنگ را شخصاً می‌پذیرفتند.

## انقلاب و آزادی اندیشه

انقلاب اسلامی ایران تحولی بزرگ در عصر معاصر بود که با پشتوانه عظیم معنوی و فرهنگی خود برای همه انسانهای آزاده سرمشق باقی خواهد ماند.

انقلاب اسلامی رهایی از یوغ استبداد را در شرایطی ممکن ساخت که از هدف و ماهیتی کاملاً متفاوت با سایر انقلابها برخوردار بود. انقلاب اسلامی نشأت گرفته از نهضت پیامبران الهی بود که فرهنگ وابسته و منحط طاغوت را به فرهنگ اسلامی، الهی تغییر داد.

رشد تفکر سیاسی و فرهنگی مردم از نعمتهای بزرگ انقلاب است. ما باید ارزشهای معنوی و آزادی اندیشه را به عنوان امتیاز اصلی انقلاب و نظام و اسلام در همه شئون جامعه رواج دهیم.

طرح آرا و دیدگاههای گوناگون در جامعه نشانه آزادی اندیشه در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. وجود آرا و اندیشه‌های متفاوت در یک جامعه لازمه پیشرفت و تعالی است. ما هرگز از طرح اندیشه‌های مخالف واهمه نداریم، زیرا معتقد هستیم که ایدئولوژی اسلامی حاکم بر کشور جوابگوی مسائل و نیازهای جامعه است. ایران اسلامی یکی از آزادترین کشورهای جهان است و اصل آزادی به عنوان یکی از سه رکن بنیادین نظام و انقلاب اسلامی در سایه ایمان، اراده و روح حق‌طلبی ملت ما همواره باید محفوظ بماند.

برخورد آرا و نقطه‌نظرات مختلف در مراکز فرهنگی، علمی، آموزشی و تربیتی موجب شکوفایی و خلاقیت این گونه مراکز خواهد شد. ما نباید توقع داشته باشیم همه افراد جامعه یکسان بیندیشند، برخورد آرا و اندیشه‌ها در حوزه، دانشگاه، مراکز علمی، آموزشی و تربیتی موجب شکوفایی خلاقیت و نبوغ افراد جامعه اسلامی می‌شود. نظام و انقلاب باید همیشه فضای سالم تعالی و تبادل افکار و اندیشه‌ها را حفظ کند تا همه بتوانند حرفشان را بزنند. با حربه تکفیر و تهدید نمی‌توان نیازهای فرهنگی جامعه را پاسخ داد. ما باید به نحوی جوابگوی نیازهای جامعه باشیم که مرز بین حق و باطل مخدوش نشود. برای ترویج حق‌طلبی باید زمینه طرح اندیشه‌های گوناگون مهیا باشد و در مراکز علمی و آموزشی تضارب اندیشه‌ها را قدر بدانیم.

## هنر از نظر امام خمینی

امام هنر منهای جهت را قبول نداشتند. حضرت امام در پیامشان به هنرمندان تأکید فرمودند که هنری مورد قبول ماست که ترسیم‌کننده مرز بین فقر و غنا باشد. اسلام زمانی هنر را ارج می‌نهد که در جهت

مردم و خدا باشد. اگر هنرمند توانست ترسیم‌کنندهٔ چهره کریه استکبار و ظلم باشد کاری مورد قبول کرده است. اگر هنرمند با خلق اثر خود چه با سرودن شعر، چه با خلق یک نقاشی، مجسمه یا نظایر آن توانست ترسیم‌کننده ظلم بی‌حد و حصر استکبار باشد، کاری کرده است و در صورتی که هنرمند هنر را برای هنر بخواهد مسلماً از دیدگاه اسلام و امام تلاش بی‌ارزش است.

هنرمندان زمانی می‌توانند کوله‌بار مسئولیتشان را زمین بگذارند که دیگر ظلمی در جهان نباشد. هنرمند متعدد مسلمان همواره در روند تاریخ مبارزات حق‌طلبانه مسئولیت دارد که به بهترین وجه ترسیم‌کننده حماسه‌های جاودانه پیروان اسلام ناب محمدی باشد. هنر متعهد، هنری است که مردم را آگاه کند نه اینکه آنها را دچار خمودگی نماید. اگر هنر توانست نقشی روشنگرانه داشته باشد مطمئناً حرکت مردم را به سوی نقطه اوج که همان حرکت به سوی خداست هدایت خواهد کرد.

هنر امام در چه بود؟ بعضیها فکر می‌کنند که امام یک فقیه و مرجع بود. پس باید هنر امام را در فقه و اصول ایشان جستجو کرد، بعضی دیگر هم حضرت ایشان را عارف و فیلسوف می‌دانند و اعتقاد دارند که هنر امام را باید در عرفان و فلسفه امام یافت، عده‌ای دیگر شعر امام را هنر امام می‌دانند. ولی آیا هنر امام اینهاست؟ یا هنر امام مبارزه آشتی‌ناپذیر علیه مجموعه دنیای استکبار است؟ آیا هنر امام برپایی جمهوری اسلامی است یا چیز دیگری است؟ به نظر من هنر امام به تنهایی هیچکدام از اینها نیست. ما فقیه و فیلسوف و عارف بسیاری داشته‌ایم، اما اینها هیچکدام امام نبوده‌اند. هنر امام تنها در مبارزه با امریکا نیست، برای اینکه سیاسیون بسیاری در داخل و خارج با امریکا جنگیدند.

امام از فقه، عرفان، کلام، فلسفه، شعر و هنر استفاده کرد، اما همهٔ اینها مقدمه‌ای بود برای رهایی مردم مظلوم از قید و بندهایی که مقدس‌مآبها به دست و پای آنها بسته بودند و به دنبال سرکوب متحجرین، بسیج پابرهنگان مغضوب ظالمان و مستکبران برای مبارزه با شاه و بعد امریکا شکل گرفت و این خود نشأت گرفته از مکتب واقعی حضرت رسول (ص) یعنی اسلام ناب محمدی می‌باشد.

امام در طول مبارزه پر فراز و نشیب با متحجرین و واپسگرایان هم خیلی زحمت کشیدند و هم خیلی صدمه خوردند. امام در پیامشان به روحانیون می‌فرمایند:

«خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است از هیچ دسته نخورده است»

امروز هم نظام و انقلاب اسلامی ما بیش از همه از سوی متحجرین و مرتجعین روحانی‌نما تهدید می‌شود. ما نباید بگذاریم متحجرین و مقدس‌مآبها زمام امور را در هیچ زمینه‌ای در دست بگیرند و برای



این کار باید خیلی سرمایه‌گذاری کرد. حضرت امام خود فرمودند:

«مبارزه با متحجرین و اپسگرا قربانی می‌خواهد و دعا کنید من اولین قربانی آن باشم.»

امروز من صراحتاً می‌گویم آنچه که شالوده و اساس تغییر بنیه فرهنگی حوزه‌ها بود مبارزه با دسته متحجرین و واپسگرایان بود که اگر امام از آنان شکست می‌خوردند و آنان روی کار می‌آمدند و یا بهتر بگوییم روی کار می‌ماندند، نه انقلابی پیدا می‌شد و نه مردم از اسلام ناب مطلع می‌شدند و اسلام واقعی دفن می‌شد. هنر امام در این است که توانسته‌اند در محیطی که دست زدن به روزنامه و شنیدن رادیو گناه به شمار می‌رفت شاگردانی تربیت کنند که در نهادهای مختلف به مردم خدمت و به تبع آن پایه‌های اعتقادی نهضت را استوار کنند و حکومت اسلامی را قوت بخشند. اگر مبارزه با جهل و خرافه و تحجر نبود نه تنها مردم عزیزمان موفق نمی‌شدند این بی‌دینان و دین‌فروشان را بشناسند، بلکه امروز شاه هنوز شاه بود و امریکا به عنوان حامی مسلمانان معرفی می‌شد.

امروز هنرمندان متعهد و شاگردان راستین امام باید تمام تلاش خود را مصروف کنند که اوضاع و شرایط فکری و فرهنگی جامعه به حالت تحجر گذشته بازگشت نکند.

## ابعاد وجودی امام خمینی

اینکه همه ما می‌بینیم امام جمله‌ای می‌گویند تمام تحت تأثیر قرار می‌گیرند و با یک حرکت امام تمام مردم به خیابانها می‌ریزند و وقتی می‌گویند از خانه بیرون نیاید همه در خانه‌ها می‌مانند، وقتی می‌گویند به جبهه بروید همه به جبهه‌ها می‌روند، به خاطر این است که امام در جوانی حتی قبل از آنکه مرجع تقلید بشوند مسائل نفسانی خودشان را به بهترین وجه حل کردند. ایشان خود را ساخته بودند و در این راه تلاش زیادی هم کرده بودند. حالا منهای عرفان عملی که هیچ کس در ایران مانند امام نبوده است. اما در این زمینه‌ها هم امام خود را ساخته بودند. دعاهای نیمه‌شب، گریه‌های نیمه‌شب، نمازهای شب، برخورد با مردم محروم، برخورد با پابره‌نه‌ها، برخورد با فقرا، ایستادگی در مقابل ظالمین، همه اینها یک مجموعه‌ای بود و آن مجموعه امام بود. متأسفانه در اوضاع مبارزاتی و شرایطی که در ایران حاکم بوده است وضع جورری بوده است که بیشتر جنبه‌های مبارزاتی امام مورد توجه بوده و به خاطر شرایط حاکم بر ایران، بیشتر این بعد از شخصیت امام برای مردم روشن شده است.

اما امامی که با دیدن یک شاخه گل به گریه می‌افتد، امامی که با دیدن یک کودک سر از پا

نمی‌شناسد، امامی که دائم‌الذکر و به یاد خداست. مردم ایران تا بعد از رحلت حضرت امام اصلاً نمی‌دانستند که امام شعر می‌گوید. اصلاً نمی‌دانستند که امام نثرهای قوی عرفانی دارند. چرا؟ برای اینکه آنچه که مردم ایران در مقابل او ایستاده بودند و در مبارزه خودشان علیه استکبار بودند بیشتر جنبه‌های حماسی و مبارزاتی امام مطرح می‌شد نه جنبه‌های معنوی و عرفانی. ما که به پای امام نمی‌رسیم و توقع هم نداریم که برسیم. اما امام الگوی ماست. یعنی ما باید تلاش کنیم تا به آن حد برسیم. کما اینکه امام تلاش می‌کردند تا به حد معصوم برسند؛ گرچه خمیره معصومین خمیره‌ای است که موضوع می‌شود برای خیلی از مسائل که در غیر معصومین نیست. اما بالاخره معصومین هم ائمه ما هستند و ائمه ما باید جوری باشند تا ما آنها را الگو و هادی و مقتدای خودمان بدانیم. و برای ما آن شخصیت و آن فرد به عنوان کسی که عقیده و ایده خودمان بر این است که باید به آنها برسیم ترسیم شده، و آلا اگر امام شخصی باشد که اصلاً کسی به آن نتواند برسد و دارای یک شخصیت غیر از همه انسانها باشد این دیگر الگو نمی‌تواند باشد. او فردی است با یک خمیره و شخصیت دیگری و باید به دنبال کس دیگری برویم. امام شاید تنها فردی است که نزدیکترین خصوصیات را به ائمه اطهار - علیهم السلام - دارد. یعنی شخصیت امام اینگونه است که در جنگ با تمام قوا می‌ایستد و مبارزه می‌کند و زیر بار زور نمی‌رود. اما همین امام با همان شخصیت وقتی مصلحت مسلمین را می‌بیند جام زهر قبول قطعنامه را یکسره سر می‌کشد و به وصال محبوب می‌رود.

این خیلی مسائل مهمی است که کسی با آن روحیه حماسی یک مرتبه چنین تصمیمی را بگیرد. اگر کسی خود را نساخته باشد چنین کاری برایش خیلی دشوار یا محال است. مردم و مسئولان این مملکت باید سعی کنند رفتار و کردار و نیات خداپسندانه داشته باشند. یعنی برای خاطر دنیا و پست و مقام یکدیگر را محکوم نکنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی